

الگوهای ساختاری و اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه

رضا دهقانی^۱

استادیار دانشگاه تبریز و پژوهشگر مسائل ترکیه

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۰۶

چکیده

دیپلماسی فرهنگی پس از گذار جهان از نظام هرمونیک دو قطبی بیش از پیش مورد توجه دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی قرار گرفت. دولت ترکیه نیز، از این قاعده مستثنی نیست و با توجه به داشته‌ها و توانمندی‌های فرهنگی خود و تحولات صورت گرفته در عرصه بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی، زمینه را برای طرح و تبیین دیپلماسی فرهنگی خود مناسب دید. دولت ترکیه با شناسایی، مفهوم‌سازی و سیاست‌گذاری عناصر عام و جهان شمول فرهنگی کوشیده است، ضریب نفوذیابی و قدرت نرم خود را در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش دهد و به‌عنوان رکن چهارم سیاست خارجی در راستای منافع سیاسی - اقتصادی خود، از آن بهره گیرد.

بر این اساس، مقاله حاضر با بهره‌جویی از پاره‌ای دیدگاه‌های جوزف‌نای در حوزه دیپلماسی فرهنگی بر آن است تا به ترسیم و تبیین الگوهای دیپلماسی فرهنگی ترکیه در دو وجه ساختار و اجرا به‌ویژه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه پردازد و بازخورد آن را در عرصه‌ی مناسبات سیاسی - اقتصادی و همچنین در میزان جاهت و اعتبار منطقه‌ای و جهانی ترکیه نشان دهد.

واژه‌های کلیدی: ترکیه، دیپلماسی فرهنگی، ساختار، اجرا.

مقدمه

نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی همواره از مهم‌ترین اهداف کشورها در تدوین و اعمال سیاست خارجی آن‌ها بوده است. برای تحصیل این مقاصد کشورها عمدتاً و به‌طور سستی نوعی دیپلماسی مبتنی بر رویکردها و ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی را در پیش می‌گیرند؛ با این‌همه، در سال‌های نیمه دوم قرن بیستم رویکردهای نسبتاً جدیدی در دیپلماسی مطرح شد که توجه افزون‌تر و تأکید بیشتر بر راهکارها و ابزارهای فرهنگی را به مسئولان و طراحان سیاست خارجی توصیه می‌کرد. در این رویکرد تازه که بعدها در ادبیات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی از آن به دیپلماسی فرهنگی تعبیر شد، نظام بین‌الملل نه صرفاً به وسیله ابزارهای سخت، بلکه از طریق مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه‌ی زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات درصدد دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها است (والر، ۲۰۰۹: ۷۴) به گفته فرانک نینکوویچ، دیپلماسی فرهنگی تلاش دارد تا سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان را با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی براساس ارزش‌های مشترک ارتقاء دهد. (نینکوویچ، ۱۹۹۶: ۸۹)

به بیانی دیگر دیپلماسی فرهنگی روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدن‌ها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن است؛ دیپلماسی فرهنگی آن‌گاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می‌پردازد و آن را سیاست خارجی خود لحاظ کند.

این مقاله بر آن است که به تبیین دیپلماسی فرهنگی ترکیه پس از فروپاشی نظام دوقطبی بپردازد و مؤلفه‌های آن را در دو پارامتر ساختار و اجرا مورد بررسی قرار دهد. براین اساس پرسشی که مطرح می‌شود این است که: دیپلماسی فرهنگی ترکیه از چه الگوهای ساختاری و اجرایی تبعیت می‌کند؟ و این الگوها به چه میزانی توانسته است در دیپلماسی عمومی ترکیه هم‌افزایی و هم‌پوشانی داشته باشند؟

در مقابل، فرضیه‌ای مطرح است که دیپلماسی فرهنگی ترکیه از نوعی اشتراک نظر در الگوی ساختاری برخوردار است. این الگو در طی یک دهه حاکمیت حزب عدالت و توسعه پویاتر و اندکی متنوع‌تر شده است. در بُعد الگوی اجرایی دولت اسلام‌گرای ترکیه توانسته است، از متناسب‌ترین و متنوع‌ترین ابزارها برای اجرایی کردن الگوهای ساختاری خود بهره



فصلنامه علمی پژوهشی

۱۶

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

جوید و از دستاوردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن در عرصه منطقه‌ای و جهانی منتفع شود.

دیپلماسی فرهنگی و مفهوم قدرت نرم

پیش از آن که به بیان الگوهای دیپلماسی ترکیه پردازیم ضروری است تمایزی بین دیپلماسی فرهنگی با قدرت نرم قایل شویم. مفهوم قدرت نرم که در سال ۲۰۰۴ توسط ژوزف نای نظریه پرداز منتقد واقع گرایی مطرح شد در پی معطوف ساختن توجه سیاستمداران آمریکا به اهمیت فرهنگ در پیشبرد منافع ملی بود. ژوزف نای قدرت نرم را «توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه اجبار یا تهدید می‌داند و بر آن است که قدرت نرم ناشی از جذابیت فرهنگ، ایده‌آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور است.» (نای، ۱۳۸۶، ص ۶۸) یک چنین رویکردی در تعارض کامل با قدرت سخت^۱ قرار دارد که در آن تسخیر کردن از طریق «نیروی نظامی و قوه قهریه» حرف اول را می‌زند. (نای، ۲۰۰۴: ۲۴) به باور ژوزف نای، قدرت نرم بخشی از فرایند قدرت سازی برای اغوای کشورهای مختلف در سیاست بین الملل محسوب می‌شود. کاربرد قدرت نرم در نگرش ژوزف نای در شرایطی از اهمیت لازم برخوردار است که بتوان پیوندی ارگانیک بین موضوع قدرت نرم و قدرت سخت ایجاد کرد. از این منظر سیاست خارجی گرچه منبع قدرت نرم نیست، اما چون شیوه اجرای سیاست و استفاده از ارزش‌ها و فرهنگ را در روابط با سایر جوامع ساماندهی می‌کند، در اعمال قدرت نرم بسیار مؤثر است. گسترش عناصر فرهنگی یک کشور مانند زبان و ارزش‌های هنجاری آن خود به خود نفوذ و قدرت آن کشور را در جهان افزایش می‌دهد. (نای، ۱۹۹۱: ۹۷) و در نهایت منجر به محبوبیت دولت‌ها نزد افکار عمومی کشور مقصد می‌شود و نیز کسب حیثیت و اعتبار بین المللی برای دولت‌ها به بار می‌آورد. (حسن خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸)

اما دیپلماسی فرهنگی مفهومی است که استفاده از اندیشه‌های فرهنگی و انتقال آن میان گروه‌های متفاوت را برای ارتباط و فهم بیشتر توصیف می‌کند. ژوزف نای دیپلماسی فرهنگی را نمونه اولیه قدرت نرم یا توان جذب از راه فرهنگ، ارزش و اندیشه می‌داند. وی این روش را نقطه مقابل قدرت سخت می‌داند که بر پیروزی و اجبار از راه قدرت نظامی استوار است. در واقع دیپلماسی فرهنگی، مقامات رسمی حکومتی را تشویق می‌کند که در روابط بین الملل (به هنگام



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۷

الگوهای ساختاری و
اجرایی دیپلماسی ...

عقد پیمان‌ها، اتحادها و شکل دادن به سیاست‌ها) از قدرت نرم استفاده کنند. (نای، ۱۹۹۱: ۹۷)

به باور بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و بالای اعمال قدرت نرم^۱ است که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کنند و او را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش و ایده‌ها ترغیب به همکاری کنند. (نای، ۱۳۹۰، ص ۳۴) گرچه امروزه دیپلماسی فرهنگی در عرصه رویکرد فرهنگ به روابط بین‌الملل، استفاده عام و جهان شمول یافته است و در رابطه میان تمامی کشورها قابل استفاده است، اما کاربرد آن به‌ویژه در میان کشورهای یک منطقه خاص و کشورهای اهمیت می‌یابد. زیرا که کشورهای همسایه، بیش از همه در معرض روابط دوستانه یا خصمانه‌ای هستند که در بسیاری موارد جلوه‌های فرهنگی پیدا می‌کند.

دیپلماسی فرهنگی در دو بعد ساختار و اجرا

پیش از آن که به ویژگی‌های دیپلماسی فرهنگی ترکیه پرداخته شود، ضروری است با دو مفهوم «الگوی ساختاری و اجرایی»^۲ در دیپلماسی فرهنگی آشنا شویم: دیپلماسی فرهنگی از آنجایی که گزینه‌هایی موسع در برابر سیاست‌مداران قرار می‌دهد به‌لحاظ ماهیت و تنوع کاربست ابزارهای اعمال دیپلماسی، متفاوت از دیپلماسی عمومی، به‌ویژه قدرت سخت است، به همین خاطر راهبردها و گزینه‌های متنوع تری پیش روی سیاست‌گذار قرار دارد. برای درک بهتر ماهیت دیپلماسی فرهنگی ضروری است به دو اصل مهم آن که از آن‌ها به الگوی ساختاری و الگوی اجرایی تعبیر می‌کنیم، اشاره شود: الگوی ساختاری ناظر به اولویت‌ها و عناصر قوام بخش دیپلماسی هر کشور است که از سنت، زبان، تاریخ و آرمان‌های آن کشور نشأت می‌گیرد، ضمن اینکه واجد زبان مشترک و اجماع فرهنگی برای گفتگو با سایر فرهنگ‌ها و ملل است، به تعبیر دیگر الگوی ساختاری حاصل اهداف، توانمندی‌ها و داشته‌های فرهنگی هر کشور است که به مرور شکل رویه و ساختار پیدا می‌کند اما باید در نظر داشت که الگوی ساختاری درونمایه خود را از فرهنگ می‌گیرد و از آنجایی که تحول فرهنگ‌ها نسبت به تحول عناصر تمدن بطئی و کند است این ویژگی در مورد ساختار دیپلماسی فرهنگی هم مصداق پیدا می‌کند که باز این تحول کند و تدریجی به معنای صُلب و تغییرناپذیر بودن ساختار دیپلماسی



فصلنامه علمی پژوهشی

۱۸

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

1. soft power

2. Structural-administrative Patterns



فرهنگی نیست و دولت‌ها می‌توانند ساختار دیپلماسی فرهنگی خود را مطابق با مقتضیات نظام بین‌الملل بازبینی، ترمیم و ساماندهی کنند، یا حتی ممکن است چنین تغییراتی در طول زمان برای دولت‌ها حاصل شود. به‌عنوان نمونه تبلیغ فرهنگ آمریکایی در سراسر جهان و تشبث به لیبرال دموکراسی رویه و ساختار دیپلماسی فرهنگی آمریکا است یا دولت انگلیس که ساختار سیاست فرهنگی خود را بر گسترش زبان انگلیسی و جذب و تربیت نسل جوان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته متمرکز کرده است. فرانسه در تقابل با دنیای رو به گسترش آنگلو-آمریکن ارتقاء زبان فرانسه در جهان و تأکید بر روشنفکری فرانسوی را اصول و رویه دیپلماسی فرهنگی خود تعریف کرده است. (حقیقی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۸)

اما الگوی اجرایی، معطوف به الگوها و سازوکارهای عملی شدن الگوی ساختاری است در الگوی اجرایی است که ساختارها و رویه‌ها امکان عملی شدن می‌یابند و میزان انطباق‌پذیری و اجرایی شدن آن‌ها در حوزه عمل سنجیده می‌شود، در حقیقت الگوهای ساختاری دیپلماسی فرهنگی بدون سازوکارها و الگوهای مناسب اجرایی هیچ‌گاه نمی‌توانند فرصت بروز یابند به‌عنوان مثال همان‌طور که در بالا ذکر شد، گسترش فرهنگ آمریکایی الگوی ساختاری دیپلماسی فرهنگی آمریکا است که تحقق آن متضمن الگوهای اجرایی است که آمریکا در این راستا از هنر، سینما، و نهادهای مختلفی مانند «اتحاد برای آموزش بین‌المللی و تبادل فرهنگی»^۱ یا «مرکز جان اف کندی برای اجرای هنر»^۲ و امثال آن بهره می‌گیرد؛ یا کشوری مانند هندوستان از سینما و موسیقی برای اجرایی کردن اهداف دیپلماسی فرهنگی خود استفاده می‌کند. (حسن‌خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹) نکته‌ای که درخصوص الگوهای ساختاری و اجرایی باید مورد توجه قرار گیرد آن است که تفکیک دیپلماسی فرهنگی در دو حوزه ساختار و اجرا به‌معنای تفکیک ماهوی آن‌ها نیست چرا که وجود هیچ‌یک بدون دیگری امکان‌پذیر نیست و در همراهی این دو اصل است که پدیده دیپلماسی فرهنگی شکل می‌گیرد، علاوه بر این الگوهای ساختاری و اجرایی بر یکدیگر تأثیر متقابل و دوسویه دارند به‌نحوی که ساختارها و اصول دیپلماسی فرهنگی تنها در اجرا است که امکان بروز و ظهور می‌یابند و از طرف دیگر بازخورد اجرا در اصلاح و بازنگری پاره‌ای از عناصر الگوی ساختاری دیپلماسی فرهنگی می‌تواند مؤثر و نقش‌آفرین باشد.

1. Alliance for international education and cultural exchange

2. John F. Kennedy center for performing Art

الگوی ساختاری دیپلماسی فرهنگی ترکیه

تغییر ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ترکیه پیرو معاهده لوزان و حاکمیت نظام جمهوری، علاوه بر تغییرات رویکردی به حوزه داخل، سیاست خارجی این کشور را نیز به شدت دگرگون نمود. (رابینسون، ۱۳۴۷، ص ۱۸) اگر در دوره عثمانی هویت چندگانه این کشور که به شدت متأثر از موقعیت جغرافیایی آن است با اولویت جهان اسلام تعریف می شد، همین عامل در جمهوری نوپا باعث شد تا پیرو حافظه تاریخی و تلاش های نوگرایانه رهبران ترکیه، سیاست خارجی و رویکردهای حاکم، غرب را الگوی پیشرفت قرار دهد (دهشیار، ۱۳۸۵، صص ۷۴-۵۳) و به تبع آن مقصد تمام برنامه ریزی ها به نحوی معطوف به غرب شود، این نگرش در سیاست داخلی، خارجی و دیپلماسی فرهنگی ترکیه به خوبی نمایان است با این حال آنچه شاکله جمهوری ترکیه را تشکیل داده و عناصر اصلی دیپلماسی فرهنگی ترکیه به شمار می آید تاریخ، فرهنگ و ژئوپولتیک آن است که به تدریج مؤلفه هایی از آن منشعب شده است که با کنار هم قرار دادن این مؤلفه ها و تحلیل آنها می توان تا حدودی چهره دیپلماسی فرهنگی ترکیه را به ویژه در دو دهه اخیر ترسیم کرد. این مؤلفه ها را می توان به قرار زیر دسته بندی کرد:

۱. ترکیه متروپل فرهنگ و تمدن جهان ترک

امروزه در دنیا نزدیک به دویست و پنجاه میلیون ترک زندگی می کند. از میان عناصر مهمی که هویت مشترک ترکان را تشکیل می دهد می توان به ریشه قومی، زبان، تاریخ، ادبیات، فرهنگ مادی و معنوی، اندیشه، طرز زندگی، عرف و عادات آنان اشاره کرد. میراث فرهنگی دنیای ترک که سابقه دیرینه ای دارد، بخشی جدانشدنی از تمدن جهانی است. هویت فرهنگی مردم ترک زبان، که توانسته اند آن را در طول تاریخ خود را حفظ کنند، در قرن بیست و یکم از سویی موجودیت معنوی خود را به میدان آورد و از دیگر سو نقش قابل توجهی در گسترش فرهنگی جهان بر عهده داشته است. (کالین، ۲۰۰۹: ۸۳-۹۶)

اعتقاد به نقش بی بدیل ترک ها در تاریخ در ابتدای قرن بیستم موجد جریانی شد که از آن با عناوین پان تورانیسم، پان ترکیسم، ناسیونالیسم ترک، یاد می شود بنا به دیدگاه پان ترکیست ها تمام اقوام و ملیت هایی که از شرق اروپا تا دیوار بزرگ چین قرار دارند و دارای شباهت های زبانی، مذهبی، عادات و آداب سنتی و اخلاقی اند در حقیقت یک ملت را تشکیل می دهند و باید به گونه ملت واحد به هم پیوندند و قدرت سیاسی، نظامی و فرهنگی بسیار نیرومندی تشکیل دهند که بتواند رسالت تاریخی خود را در برابر تمدن های بزرگ



فصلنامه علمی پژوهشی

۲۰

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱



دیگر مانند تمدن اروپایی، عرب، هندی و چینی حفظ کند. (بیات، ۱۳۸۷، ص ۲۶) این جریان ابتدا در میان ترکان مجار و روسیه تزاری رشد و نمو یافت و سپس در میان روشنفکران عثمانی مانند ضیا گوکالپ رسوخ کرد. (همان، ص ۲۸)

وقوع جنگ جهانی اول و تجزیه عثمانی که روزگاری از بالکان تا قفقاز و خاورمیانه گسترده بود احساسات قوی ملی‌گرایی را در روح ترک‌ها تقویت کرده و احتمالاً به‌خاطر همین احساسات بود که ترک‌ها توانستند مقاومت نموده و حداقل سرزمین فعلی ترکیه را برای خود حفظ کنند اما آتاتورک که تجربه ناگوار ماجراجویی‌های رهبران اتحاد و ترقی را به‌خاطر داشت به‌جای توسل به اندیشه جهان وطنی ترک به ناسیونالیسم ترکی در چارچوب مرزهای جمهوری ترکیه قناعت کرد و با شعار معروف «در وطن صلح، در جهان صلح» این ایده را به‌عنوان رکنی از قانون اساسی ترکیه تثبیت کرد. به‌رغم چنین موضعی، جمهوری ترکیه اندیشه پان‌ترکیسم را در وجه فرهنگی و رومانتیک را حفظ کرد که دستمایه فعالیت جریان‌های مختلف ملی‌گرا در ترکیه شد. (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۹۳)

با فروپاشی امپراتوری شوروی بناگاه ۵ جمهوری ترک در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی سر برآوردند، این درحالی بود که تا قبل از فروپاشی، ترکیه تنها دولت ترک در جهان بود. در پی چنین رخدادی ترکیه کوشید با تکیه بر همین عامل زبان و فرهنگ ترکی روابط ویژه‌ای با این جمهوری‌ها برقرار کند. رهبران ترکیه، این کشور را نمونه‌ای مطلوب برای کشورهای ترک قفقاز و آسیای مرکزی اعلام کردند. جریان‌های مختلف ترکیه هریک بنا به خاستگاه فکری به قفقاز و آسیای مرکزی نگریستند: اسلام‌گرایان به آسیای مرکزی به‌عنوان کشورهای اسلامی، پان‌ترکیست‌ها به‌عنوان سرزمین اجدادی و تاریخی، نظامیان به‌عنوان تاکتیکی برای مقابله با فزون‌خواهی‌های اتحادیه اروپایی و شروط این اتحادیه برای عضویت ترکیه و سکولارها به‌عنوان منبع انرژی می‌نگریستند و دولت ترکیه همه این‌ها را با هم می‌خواست، اما آنچه در این میان عنصری قاطع به‌شمار می‌رفت همانا ترک بودن و ریشه‌های عمیق نژادی و زبانی بود، دقیقاً شبیه همان احساسی که ترک‌های ترکیه نسبت به ازبک‌های افغانستان و ایغورهای چین و تاتارهای کریمه دارند. (بولنت، ۲۰۰۹، ۱۹۵-۱۹۶)

در این تلقی، ترک بودن بازآفریننده خاطره تاریخی، علقه فرهنگی، نوستالوژی امپراتورهای ترک در طول تاریخ و مفهومی فراتر از هم وطن است، مفهوم ترک در واقع تداعی‌کننده رسالت نسل ترک در جهان کنونی است، در مرحله بعد این مفهوم در چارچوب دیپلماسی فرهنگی

تجلی پیدا می‌کند و در نهایت در قالب پروژه سیاسی و ائتلاف ظاهر می‌شود، سیاست‌های دولت ترکیه هم اکنون در فضای بین دیپلماسی فرهنگی و ائتلاف در سیلان است

۲. هم ذات‌پنداری با تمدن اروپایی

ترکیه به‌رغم اینکه خود را دولتی ترک همراه با رسالت تاریخی معرفی می‌کند اما وقایع پایانی عصر عثمانی که منجر به تجزیه و ضعف دولت عثمانی در برابر دولت‌های اروپایی شد چون زخمی جانکاه روح و جسم ترکان را آزد، روشنفکران ترک که راه درمان را در اقتباس فرهنگ اروپایی می‌دانستند به غربی کردن تمام وجوه زندگی مردمان ترک مبادرت ورزیدند این میراث به عصر جمهوری هم رسید و به شکلی عریان‌تر و آمرانه‌تر به اجرا درآمد. در ناخودگاه ترکان اروپاییان حامل متری ترین فرهنگ عصر هستند که برای در امان ماندن از گزند اقتدارشان و سهم شدن در فرهنگ جهانی باید با آن‌ها هم‌نوا و هم‌سرشت شد به‌همین خاطر ترکیه در ۱۴ آوریل ۱۹۸۷ برای پیوستن به اتحادیه اروپا درخواست رسمی خود را ارائه کرد و از ۱۲ دسامبر ۱۹۹۹ به‌طور رسمی به‌عنوان کاندیدای عضویت در اتحادیه شناخته شد، مذاکرات برای الحاق ترکیه از ۳ اکتبر ۲۰۰۵ آغاز شد که تا به حال ادامه دارد. (عابدی گناباد، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰)

اشتیاق ترکیه برای پیوستن به جمع اروپاییان در کنار افتخار به تعلقات تاریخی - فرهنگی ترک، ترکیه را در درون خود با روحی متضاد درگیر ساخته است که در عین هم ذات‌پنداری با تمدن اروپایی و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا خواهان کامیابی اقتصادی و معرفی خود به‌عنوان یک دولت ترک - اسلامی هم است، همه این موارد به‌طور سنتی در بنیان‌های دیپلماسی فرهنگی ترکیه وجود دارد و تنها تاکتیک‌های اجرای آن‌ها بنا به مقتضیات زمان متفاوت بوده است وگرنه از همان آغاز اعلان جمهوری تا دولت اسلام‌گرای کنونی هم ذات‌پنداری با اروپا و تلاش برای قرار گرفتن در جرگه دول اروپایی، آرمان محوری رهبران سیاسی ترکیه و بخشی از مردم ترکیه را تشکیل داده است.

۳. نوعثمانیگری

اگرچه اندیشه نوعثمانی‌گری به عصر تورگوت اوزال رئیس جمهور معتدل و تکنوکرات ترکیه در دهه ۸۰ بر می‌گردد اما با روی کارآمدن دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه بود که این اندیشه تئوریزه شد و به‌عنوان محوری‌ترین سیاست منطقه‌ای دولت اردوغان مطرح گردید. آنچه این اندیشه را به سطح راهبرد دولت ترکیه ارتقا داد علاوه بر عوامل منطقه‌ای



فصلنامه علمی پژوهشی

۲۲

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱



و بین‌المللی در سطح کلان، نقش رهبران و تصمیم‌سازان ترک در سطح خرد است. راهبرد نو عثمانی‌گری بیش از هرکس متأثر از اندیشه‌های احمد داوود اوغلو است که چشم‌انداز سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و برداشت آن از نقش ترکیه به مثابه یک قدرت منطقه‌ای در کتاب عمق استراتژیک^۱ وی تبلور یافته است. (داوود اوغلو، ۲۰۰۱: ۱۲-۲۵)

در این اثر دو رویکرد تدوین شده است: ۱. رویکرد ژئوپلیتیکی و ۲. رویکرد ژئوکالچری، که در رویکرد نخست شاهد تمایل برای اجرای یک سیاست عمل‌گرایانه هستیم و رویکرد دوم آمال ترک‌ها را برای ایفای نقش رهبری در مسیر تاریخی جهان اسلام نشان می‌دهد. (کارداش، ۲۰۰۸: ۱۲۴)

داوود اوغلو با نگاه به ترکیه به عنوان یک کشور با نقش محوری معتقد است که موقعیت جغرافیایی این کشور به هیچ عنوان اجازه تدوین سیاست‌های انفعالی را به این کشور نمی‌دهد. از آن‌جا که امنیت این کشور وابسته به رویدادهای مختلف در مناطق چندگانه است لذا این کشور باید به اتخاذ سیاست‌های فعالانه‌ای روی آورد که ضمن ارتقای منافع، بقای آن نیز تضمین گردد. علاوه بر آن رشد نفوذ ترکیه در سرزمین‌های دور افتاده می‌تواند به عنوان سکوی پرتابی نگریسته شود که از طریق آن می‌توان قدرت ترکیه را در رویارویی با غرب و قدرت‌های جهانی افزایش داد. (داوود اوغلو، ۲۰۰۱: ۸۷)

با وجود برجستگی و اهمیت اصول و ارزش‌های دینی در کلیت حزب و رهبران آن، اما قدرت نرم و ابزارهای امنیتی و همبستگی اقتصادی، مؤلفه‌های ابزاری مهم ترکیه محسوب می‌شود. از این جهت است که برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که رویکردهای ژئوپلیتیک داوود اوغلو بایستی در کنار بعد ژئوکالچری آن مورد بحث قرار گیرد. قرارگیری این دو رویکرد داوود اوغلو در عرصه سیاست خارجی باعث شده است تا ناظران منطقه‌ای از سیاستی تحت عنوان عثمانی‌گری جدید نام برند، چنان‌که بر مبنای این سیاست ترک‌ها دامنه نقش و نفوذ خود را در مناطقی که زمانی بخشی از امپراتوری عثمانی بوده و واجد اهمیت است افزایش می‌دهند. (ساری‌ابراهیم اوغلو، ۲۰۰۲: ۸)

البته این رویکرد نه به مانند امپراتوری عثمانی که نقش خود را با افزایش ارضی بیشتر می‌کرد، بلکه با این مقوله تبیین می‌گردد که ترکیه تنها کشور خاورمیانه‌ای است که می‌تواند در یک تعامل پی‌گیر و دو سویه غرب و خاورمیانه را هم‌زمان با خود همراه نماید

از این منظر رویکرد ژئوپلیتیک داوود اوغلو در مورد روابط بین‌الملل تا حدی در ارتباط با نقش‌های ایفا شده از جانب تمدن‌ها در تاریخ جهان تکمیل شده است. در رویکرد وی تمدن اسلامی متأثر از شرایط گذشته به‌نوعی دگرپیشی در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی برای رویارویی با چالش‌های معاصر نیاز دارد. از این جهت رسالت سیاست داخلی و خارجی ترکیه ایجاد بسترها برای تحقق این امر است. از نظر وی دستیابی به این مهم نیازمند آن است تا نخبگان سیاسی ترکیه با تاریخ و فرهنگ خود آشتی کنند و سپس کشوری نیرومند در یک بستر ژئوکالچری ایجاد نمایند به‌طوری که نه فقط با جغرافیا بلکه با شاخصه‌های فرهنگی، تمدنی و تاریخی متعین گردد. (داود اوغلو، ۱۳۸۱، ص ۸۷)

هر دو بعد ژئوکالچری و ژئوپلیتیکی تفکر داوود اوغلو تسهیل‌کننده ابعاد تئوریک یک سیاست خارجی فعالانه فراتر از مرزهای جمهوری ترکیه است. «نقش هویت در شکل‌دهی سیاست خارجی ترکیه در صورتی صحیح درک می‌شود که از یک طرف تناسب میان دو جنبه‌ی فرهنگی و استراتژیکی تفکر اوغلو مورد بررسی قرار گیرد و از طرف دیگر ارتباط این دو محور با سایر حوزه‌های موضوعی شناسایی شود» (کارداش، ۲۰۰۸: ۱۲۴)

به این ترتیب ایدئولوژی و ابعاد هویتی - معنایی تنها بخشی از مجموعه بزرگ‌تری از عواملی است که هویت استراتژیک نخبگان سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه را شکل می‌دهد و این تصویری غلط است که عمل‌گرایی سیاست خارجی آن‌ها را به یک هویت غیر متغیر منفرد (همانند ژئوپلیتیک) مرتبط دانست. تصمیم‌سازان فعلی ترکیه نظیر اوغلو، اردوغان و یا گل با اجتناب از ابتدای حوزه سیاست خارجی بر یک پایه خاص با تأکید بر عوامل جغرافیایی و تاریخی معتقدند که این عامل دو سویه می‌تواند هر دو بعد سخت و نرم قدرت ترکیه را برای گسترش منافع در خارج فراهم سازد (همان) از این جهت است که باید گفت مدیریت موفقیت‌آمیز سیاست خارجی وابسته به آن است که این نخبگان تا چه میزان می‌توانند در توازن بخشی بین این دو عامل موفق عمل نمایند.

۴. سنتز اقتصاد - فرهنگ

تا قبل از ورود به هزاره سوم وضع اقتصادی ترکیه در وضعیت نابسامان و بحرانی قرار داشت: تورم بالا، بدهی‌های خارجی، بیکاری، دولت‌های ائتلافی و ناکارآمد، دردهای مزمنی بودند که اقتصاد ترکیه از آن رنج می‌برد و مردم ترکیه که از این وضعیت به تنگ آمده بودند، تمایل شدیدی برای انجام اصلاحات اساسی اقتصادی و یافتن راه‌حلی قطعی برای

مشکلات، از خود نشان دادند. این تمایل در اقبال به حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه خود را نشان داد که با عمل‌گرایی و برنامه‌های اقتصادی جذاب وارد عرصه مبارزات انتخاباتی شد و آغاز عصر جدیدی را در تاریخ جمهوری ترکیه نوید داد.

تا قبل سرکار آمدن حزب عدالت و توسعه و از دهه هشتاد میلادی دولت تکنوکرات تورگوت اوزال برنامه‌هایی برای آزادسازی اقتصاد و پیوستن به اقتصاد جهانی و بازار آزاد به مرحله اجرا گذاشت، اصلاحاتی از قبیل اجرای سیاست نرخ ارز شناور، قوانین آزادسازی واردات، افزایش صادرات، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، تأسیس مناطق آزاد تجاری، حذف نظارت دولت بر بازارهای پولی، خصوصی‌سازی مؤسسات اقتصادی دولتی و تمرکززدایی فعالیت‌های دولتی. در نتیجه اصلاحات مزبور و بر پایه اصول بازار آزاد و با جهت‌گیری بین‌المللی، اقتصاد ترکیه توانست مراحل از آزادسازی را با رشد اقتصادی متوسط ۴ درصد تجربه کند که البته تورم متوسط ۴۰ درصدی را هم به دنبال داشت. (کردزاده کرمانی، ۱۳۸۰، صص ۲۷۴-۲۷۵)

ترکیه در این سال‌ها به‌رغم اقتصاد نه‌چندان پویا و پررونق خود به نقش عامل اقتصاد و تجارت در تأثیرگذاری سیاسی - فرهنگی در عرصه بین‌المللی پی برد و تحقق آرمان‌های تمدنی خود را - متروپل جهان ترک و پیوستن به جرگه اتحادیه اروپا با اقتصاد پیوند زد. پیرو همین مسأله بود که در سال ۱۹۸۷ درخواست رسمی پیوستن به اتحادیه اروپا را تسلیم کرد یا در پی استقلال جمهوری‌های ترک آسیای مرکزی به سرمایه‌گذاری اقتصادی و توسعه تجارت با آنان مبادرت ورزید. (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۲۳)

از سال ۱۹۸۰ تا آغاز هزاره سوم سنتز اقتصاد - فرهنگ مراحل تکامل تدریجی خود را طی کرد، در طی این سال‌هاست که شهرهای کوچک در منطقه آناتولی ترکیه شروع به رشد و قدرتگیری کردند، که به تبع آن طبقه‌ای از کارآفرینان جدید و صاحبان وسایل تولید کوچک، که عمدتاً محافظه‌کار و البته مذهبی بودند، شکل گرفت. این طبقه به خوبی می‌دانستند که رشد اقتصادی آن‌ها وابسته به حضور آن‌ها در اقتصاد جهانی از راه افزایش معاملات است. بنابراین پدید آمدن نخبگان و طبقه متوسط جدید، شانس بزرگ حزب عدالت و توسعه بود. محافظه‌کاران مسلمان این بار نه فقط با شعار اسلام که با ایده‌های اقتصاد بازار این طبقه را به سوی خود فرا خواندند. (آجورلو، ۱۳۹۰)

حزب عدالت و توسعه از زمان روی کار آمدن با پیگیری برنامه‌های اصلاحی در



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۵

الگوهای ساختاری و
اجرایی دیپلماسی ...

ساختارهای اقتصادی ترکیه به‌ویژه برنامه‌های اصلاحی کمال درویش وزیر اقتصاد ترکیه موفق شد نرخ تورم را یک رقمی کند ۹/۳ و رشد اقتصادی را که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به‌طور میانگین کمتر از ۴ درصد بود به ۷/۴ افزایش دهد. در سطح منطقه هم حزب عدالت و توسعه هسته تأثیرگذاری را در الگوی اقتصادی و امنیتی جستجو می‌کند تا بتواند در چشم‌اندازی میان مدت کانون اقتصادی منطقه گردد. (کالجی، ۱۳۸۸، صص ۷۶-۷۷)

در سطح فرامنطقه‌ای ترکیه بر دو مسأله تمرکز کرده است یکی اوراسیا و دیگری پیوستن به اتحادیه اروپا، ترکیه در اوراسیا قصد دارد سیاست چند ضلعی امنیت، اقتصاد و نفوذ فرهنگی - سیاسی خود را پیش ببرد. ترکیه با تحکیم پیوندهای طبیعی خود با آسیای میانه در حال نزدیک شدن به چین است و روی اوغورها و ترکستان شرقی کار می‌کند؛ در خصوص عضویت در اتحادیه اروپا که آرزوی دیرینه ترک‌ها است بزرگ‌ترین اقدام دولت مردان اسلام‌گرای ترکیه تعیین تاریخی جهت آغاز مذاکرات برای الحاق ترکیه به این اتحادیه است که در نوع خود پیروزی بزرگی برای اسلام‌گراها و حزب حاکم در ترکیه است. (مدران، ۲۰۰۰: ۳۴)

با برخورداری از چنین بستر و پشتوانه‌هایی، حزب عدالت و توسعه این امکان را یافت سنتز اقتصاد - فرهنگ را تکامل بخشد و به‌عنوان برنده‌ترین سلاح ترکیه هم در سیاست خارجی و هم در دیپلماسی فرهنگی به کار گیرد. جذابیت‌های خاورمیانه نظیر بازارهای جدید برای محصولات صادراتی ترکیه، امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای نفت‌خیز منطقه و در نهایت اشتیاق حزب عدالت برای توسعه طرح‌های جمعی با همسایگان بعد ژئواکونومیکی سیاست خارجی و دیپلماسی فرهنگی ترکیه را ارتقاء بخشیده که البته اقتصاد پویا، افزایش درآمد سرانه، مدیریت کارآمد هم این امکان را برای دولت ترکیه فراهم کرده تا در یک فرآیند متقابل از عامل اقتصاد و فرهنگ به‌طور هم‌زمان برای جلب منافع و اعتبار خود در عرصه بین‌المللی استفاده کند. (یزدان پناه، ۱۳۹۱)

امروزه سنتز اقتصاد - فرهنگ ترکیه بیش از هر زمان دیگر صبغه خصوصی و غیردولتی دارد، صدها شرکت ترک در سراسر دنیا بالاخص خاورمیانه و آسیای مرکزی که ترکیه با آنان علقه‌های فرهنگی و مذهبی دارد مشغول فعالیت هستند و کالای ترک امروزه در اقصی نقاط جهان شناخته شده است، این شرکت‌ها که بخش بزرگی از آن‌ها مانند جریان گولن وابستگی‌های طریقتی دارند، به‌خوبی توانسته‌اند حامل پیام فرهنگی ترکیه و در حکم



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۶

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

روان‌ساز دیپلماسی عمومی ترکیه عمل کنند. جریان گولن در کنار کارهای اقتصادی - عمرانی نهضت آموزش و مدرسه‌سازی را برای پیشبرد مفهوم ناسیونالیسم ترک راه انداخته است. گولن از این حرکت تحت عنوان «تربیت ترک مسلمان و در عین حال تاجر موفق» یاد می‌کند. مجموعه این اقدامات قدرت نرم ترکیه را افزایش داده است و چنانچه ترکیه در آینده با چالش اقتصادی جدی مواجه نشود سنتز اقتصاد- فرهنگ هسته اصلی دیپلماسی فرهنگی ترکیه را تشکیل خواهد داد.

۵. ارایه مدل سیاسی

اگرچه ترکیه از جنگ جهانی دوم به بعد خود را به‌عنوان یک دولت ترک - مسلمان و در عین حال سکولار در جهان اسلام شناسانده است اما کمتر بر جنبه الگو دهی آن تأکید می‌کرد، تورگوت اوزال کوشید با عمل‌گرایی در عرصه اقتصاد ضمن احترام به مذهب در حوزه شخصی و اجتماعی چهره‌ای متفاوت از اسلام به نمایش بگذارد اما به‌خاطر سلطه همه‌جانبه کمالیست‌ها بر ارکان کشور چندان توفیقی نیافت، در واقع مدل میلیتاری و سکولار ترکیه نتوانست در آن بُرهه نظر دولت‌های منطقه را برای الگو‌گیری از ترکیه جلب کند تا اینکه سرانجام نوبت به حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه رسید، آزمونی نیمه‌کاره از دوران اوزال تا حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه بتواند سنتز اسلام - دموکراسی را در عمل به محک آزمایش بگذارد. عملکرد حزب عدالت و توسعه در یک دهه اخیر که دستاوردهای اجتماعی - فرهنگی، توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی - اقتصادی و دموکراتیزاسون و حکومت کارآمد به‌دنبال داشته است، این کشور را به کشوری جذاب در منطقه تبدیل کرده است، کما اینکه غرب هم پشتیبان این سیستم است چرا که به‌طور سنتی جذاب‌ترین ویژگی ترکیه برای غرب، سکولاریسم حاکم بر این کشور بوده که غرب آن را نوعی به رسمیت شناختن الگوی برتر سیاسی - فرهنگی جامعه غرب تلقی کرده است. ترکیه از این فاکتور نرم به‌نحو احسن در سیاست خود در قبال کشورهای بهار عربی در شمال آفریقا و خاورمیانه استفاده کرد و مدل حکومتی خود را به‌عنوان مدلی موفق در کشورداری به آن‌ها پیشنهاد کرد بسیاری از انقلابیون خاورمیانه و شمال آفریقا هم از مدل ترکیه به‌عنوان هدف خود در تأسیس کشور جدید یاد می‌کنند و حتی در شمال آفریقا دست به تأسیس احزابی برپایه الگوی عدالت و توسعه زده‌اند که این حکایت از قدرت نرم ترکیه در الگودهی مدل حکومتی خود است (کالین، ۲۰۰۸: ۲۶-۲۵) تحقق این موضوع امکان بسط نفوذ فرهنگی و اقتصادی ترکیه را در



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۷

الگوهای ساختاری و
اجرایی دیپلماسی ...

این کشورها در آینده بیشتر خواهد کرد ترکیه با استفاده از ابزارهای متنوع فرهنگی به ویژه رسانه‌ها سعی در تبیین این الگو دارد و به نظر می‌رسد از این پس بخشی از الگوی ساختاری دیپلماسی فرهنگی ترکیه در دهه‌های آینده به این مسأله اختصاص خواهد داشت.

الگوی اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه

الگوی اجرایی منفک از الگوی ساختاری نیست، در دیپلماسی فرهنگی ساختار و اجرا در تعاملی معنادار دیپلماسی را شکل می‌دهند و ترمیم و بازنگری در هر دو الگو از این رابطه دو سویه ناشی می‌شود. با این حال در مقایسه با الگوی ساختاری که معمولاً محدود، مشخص و نسبتاً پایدار است. الگوی اجرایی طیف وسیعی از ابزارها و امکانات متنوع را دربرمی‌گیرد که با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک به ویژه در عرصه ارتباطات هر روز بر پیچیدگی و تنوع آن‌ها افزوده می‌شود و دولت‌ها به فراخور توان و امکانات خود از آن‌ها بهره می‌گیرند. (میلیسین، ۲۰۰۵: ۲۵) بسیاری از این الگوها در دیپلماسی فرهنگی کشورها مشترک هستند مانند برگزاری دوره‌های زبان، اعطای بورس تحصیلی، برگزاری نمایشگاه‌ها، گردهمایی‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌های فرهنگی در کشور مقصد، کمک به راه‌اندازی مراکز کشورشناسی (ترک‌شناسی و...) در کنار ارائه فرصت‌های مطالعاتی کوتاه‌مدت به کارشناسان دانشگاهی و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب کشور متبوع با هدف جذب نخبگان و اصحاب فکر از کشورهای مقصد و غیره. اما برخی کشورها بر پاره‌ای ابزارها بیشتر تأکید دارند و دیپلماسی فرهنگی آن‌ها در این ابزارها نمود بارزتری دارد: مثلاً هند از الگوی سینما و موسیقی بیشتر بهره می‌جوید، فرانسه به گسترش زبان فرانسه و جذب نخبگان مشرق زمین بیشتر علاقه نشان می‌دهد و آمریکا سعی می‌کند از همه ابزارها دیپلماسی فرهنگی از ورزش و سینما و فضای مجازی گرفته تا اعطای بورس تحصیلی و اقامت در کشور آمریکا استفاده کند. در ارزیابی الگوی اجرایی ترکیه به نظر می‌رسد در دهه اخیر ترکیه به شدت به سوی تنوع سازی ابزارهای اجرایی دیپلماسی پیش رفته و پیش بینی می‌شود در آینده بر دامنه این الگوها افزوده شود. ذیلاً به پاره‌ای از مهم‌ترین الگوهای اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه اشاره می‌کنیم:

۱. رسانه

امروزه رسانه‌های ترکیه و در رأس آن رسانه‌های دیداری ترکیه نقش بی‌بدیلی در پیشبرد دیپلماسی فرهنگی این کشور برعهده دارند، از سال ۱۹۸۰ که قانون آزادی مطبوعات در



فصلنامه علمی پژوهشی

۲۸

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱



ترکیه به تصویب رسید تا سال ۲۰۰۲ که قوانین جدیدی در راستای هم‌گرایی با اتحادیه اروپا از تصویب گذرانده شد، رسانه‌ها هم به‌لحاظ کمی و هم به‌لحاظ ضریب تأثیر در افکار عمومی داخل و خارج ترکیه رشد بسیاری داشته‌اند.

تلویزیون ترکیه به‌ویژه کانال‌های دولتی TRT قدرت نرم ترکیه در منطقه به‌ویژه حوزه کشورهای ترک زبان می‌باشند که با پخش برنامه‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های مختلف به‌عنوان قدرت نرم ترکیه عمل می‌کنند کانال‌های خصوصی ترکیه مانند NTV، کانال D، کانال ۶ هر یک متعلق به یکی از مجموعه‌های اقتصادی - فرهنگی ترکیه بوده که در واقع اهرم‌های سیاسی قدرت‌ها در ترکیه محسوب می‌گردند مانند گروه دوغان که بزرگ‌ترین تراست رسانه‌ای در ترکیه است اینها به‌شدت برای القای فرهنگ غربی در ترکیه و به طریق اولی در دیگر کشورها تلاش می‌کنند. علاوه بر این ترکیه طرحی بلند مدت برای تأسیس تلویزیون به زبان‌های مختلف دارد که در این راستا کانال تلویزیونی آواز به چهار زبان آسیای مرکزی و ترکی آذری راه‌اندازی شده است و قرار است تا سال آینده کانال فارسی هم به‌طور رسمی افتتاح شود، گشایش کانال کردی تی‌آرتی ۶ هم بخشی از سیاست رسانه‌ای «تابزدایی» ترکیه بود هم اکنون وبگاه رادیو و تلویزیون ترکیه به ۳۱ زبان دنیا راه‌اندازی شده است (صدقی‌زاده، ۱۳۸۵، صص ۸۲-۸۳)

در عرصه سینما هم مانند تلویزیون در سال‌های اخیر با ساخت فیلم‌های تاریخی مانند ماه پیکر و به‌ویژه فیلم پرخرج فتح ۱۴۵۳ ترکیه کاملاً در راستای سیاست نوعثمانی حرکت کرده است منصور آک‌گون استاد روابط بین‌الملل دانشگاه کلتور استانبول با اشاره به وضعیت کنونی ترکیه و افزایش نفوذ این کشور در منطقه می‌گوید: در راستای افزایش این نفوذ منطقه‌ای، سینمای ترکیه نیز نقش خود را ایفا کرده است و سریال‌های ترکی نیز در میان اعراب مورد توجه قرار گرفته است. (وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه، ۲۰۰۸: ۶۷)

به باور کارشناسان نفوذ ترکیه در عرصه رسانه‌ای بسیار قوی شده و رفته رفته این کشور به «غول رسانه‌ای منطقه» تبدیل می‌شود صاحب‌نظران می‌گویند، در عرصه رسانه‌ای، ترکیه رقابت شدیدی را با روسیه در کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان آغاز کرده است و این کشور عرصه را بر نفوذ رسانه‌های روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تنگ‌تر کرده است. (تانک، ۲۰۱۲: ۳۴)

در رقابت‌های سیاسی و اقتصادی منطقه همواره قدرت‌های بزرگ نقش تعیین‌کننده‌ای

ایفا می‌کند، ولی به‌نظر برخی از کارشناسان با توسعه شبکه‌ها و کانال‌های ترکی در آسیای مرکزی و قفقاز (۱) در عرصه رسانه‌ای ترکیه گوی سبقت را از دیگر رقیبان منطقه‌ای خود برده است و توانسته از طریق ساخت فیلم و سریال‌های مختلف افکار عمومی جهان به‌خصوص در حوزه بالکان و کشورهای ترک‌زبان را به نفع خود تغییر دهد. هم‌چنین نهادی در نخست وزیری ترکیه توسط ابراهیم کالین مشاور سیاست خارجی اردوغان فعالیت می‌کند که وظایفی مانند بازتاب اخبار ترکیه در خارج از کشور، کنترل خبرنگاران خارجی در ترکیه و اعزام هیأت‌های رسانه‌ای را بر عهده دارد که همگی اینها در جهت افزایش قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ترکیه در منطقه و جهان است. (صدقی زاده، ۱۳۸۵، ص ۸۴)

۲. دیاسپورای ترک در آلمان

صنعتی شدن آلمان در پایان سده نوزدهم و ورود مهاجران خارجی در قالب کارگران فصلی، میهمان و اقتصادی از سایر کشورهای اروپایی و غیراروپایی و اشتغال آنان در بخش‌های صنایع و کشاورزی در قالب قراردادهای کاری دوجانبه، آلمان را به‌تدریج به کشور مهاجرتی تبدیل کرد. در حال حاضر ۸/۸ درصد ساکنان آلمان یعنی ۷/۳ میلیون نفر از جمعیت ۸۲ میلیونی این کشور را مهاجران تشکیل می‌دهند. در این میان ترکان بخش عمده مهاجران به کشور آلمان را تشکیل می‌دهند که عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم به این کشور مهاجرت کرده و به‌عنوان نیروی کار در بازسازی آلمان پس از جنگ نقش مهمی داشتند با این حال آلمان‌ها همواره از پذیرش موقعیت خود به‌عنوان کشور مهاجرنشین امتناع ورزیده‌اند. (موقعیت خارجی‌ها و مهاجران در آلمان، ۱۳۷۶، ص ۶۰)

رهیافت هم‌گرایی اجتماعی در آلمان که بر مبنای جداانگاری مهاجران از جامعه استوار بوده و مؤلفه‌های فرهنگی، زبانی و نژادی را اصل سامان‌بخش و راهنمای شهروندی محسوب می‌نماید، بازتاب این اعتقاد است که مهاجرت پدیده‌ای موقتی بوده و سرانجام کارگران میهمان به کشورهای خود بازگشته و پناهندگان سیاسی نیز این کشور را ترک خواهند گفت. این رویافت که آلمان را نوعی اجتماع قومی و فرهنگی یکپارچه و نه جامعه در معنای سرزمینی و حقوقی آن قلمداد می‌نماید، قومیت‌مدار و فرهنگ‌محور بوده و خارجیان را عناصر بیگانه محسوب می‌نماید.

با این همه، شریف روحانی (۱۳۹۰) عنوان می‌کند آلمانی‌ها به‌تدریج دریافتند که مهاجرت دیگر پدیده‌ای موقت نبوده و وجهی انکارناپذیر از حیات معاصر این کشور به‌شمار می‌رود. بازتعریف مفهوم شهروندی آلمانی که ستا بر مبنای اصل قومیت‌مدار استوار بوده و گرایش نسبی



فصلنامه علمی-پژوهشی

۳۰

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱



به اصل سرزمین محور در قانون جدید ملیت آلمانی که در سال ۲۰۰۰ تصویب شد در این رهگذر صورت پذیرفت. از این روی، متولدین از والدین خارجی نیز از امکان دریافت شهروندی در صورت اقامت قانونی هشت ساله یکی از والدین خود در این کشور برخوردار شده‌اند. تصویب این قانون و قوانین مشابه به تحکیم موقعیت ترک تباران آلمانی بسیار کمک کرده است، حضور جمعیت کثیر ترکان در آلمان و مقاومت در برابر هم‌گراسازی با شهروندان آلمانی در بسیاری از مواقع باعث شده است هنوز آلمان نتواند مدلی جامع برای ساماندهی مهاجران اتخاذ کند، این امر باعث شده جامعه ترک ساکن آلمان به مثابه جامعه‌ای موازی شهروندان آلمانی و در قالب جزیره‌ای هویتی در جامعه آلمان ظاهر شود. (روزنامه همشهری، شماره ۱۳۱۲۳۶، ۵ اسفند ۱۳۹۰)

این جامعه ضمن اینکه پیوند اقتصادی و اجتماعی خود را با ترکیه حفظ کرده است از دهه ۱۹۹۰ و به دنبال گسترش ارتباطات و شکل‌گیری فضای اجتماعی فراملی، در آلمان و حتی اروپا بسیار تقویت شده و به‌طور غیررسمی به قدرت نرم ترکیه تبدیل شده است. ترک تباران آلمانی با تشکیل سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی که عمدتاً از جریان‌های سیاسی - اجتماعی درون ترکیه نشأت می‌گیرند و بعضاً به آنان وابسته‌اند، توانسته‌اند نقشی دوگانه در آلمان بازی کنند (۲) از یک سوی قدرت نرم ترکیه در آلمان و اروپا هستند و از سوی دیگر ترک تباران آلمان به‌خاطر اقامت طولانی در این کشور و شناخت بیشتر جامعه آلمان توانسته‌اند بر پاره‌ای جوامع مهاجر دیگر عمدتاً ترک - اسلامی مانند آذری‌ها یا گروه‌های اسلامی آسیای مرکزی تأثیرگذار باشند که در مجموع وزن دیپلماسی فرهنگی ترکیه را در آلمان سنگین کرده است.

۳. لابی قومی ترک

طی دهه ۱۹۹۰ و به دنبال تحولات بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز و احیای تفکر ناسیونالیسم ترک، باعث شد ترکیه در کسوت حامی مردمان ترک در سراسر جهان ظاهر شود و به تقویت گروه‌های قومی ترک از شرق دور تا اروپای شرقی بپردازد و حمایت از آن‌ها را در قالب پناهندگی، اعطای بورس تحصیلی، وساطت در نزد دولت‌ها برای احقاق حقوق فرهنگی اقلیت‌های ترک سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهد. بر پایه همین نگرش بود که ترکیه در وقایع بالکان، قره باغ فعالانه شرکت کرد اما در مورد چچن به‌خاطر پرهیز از رویایی با روسیه آن را به افکار عمومی، رسانه‌ها و ناسیونالیست‌های ترکیه واگذاشت که البته گاه جنبه آشوب هم به‌خود گرفت، اقدامات خشونت بار طرفداران استقلال چچن در ترکیه نمونه‌ای قابل ذکر در این مورد است. (روحی، ۱۳۸۱ صص ۱۵۷-۱۶۹)

در مورد همسایه‌های ترکیه این موضوع با علاقه بیشتری از جانب ترکیه دنبال می‌شود به‌عنوان مثال احیا و حفظ حقوق دموکراتیک ترکمن‌های عراق در حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌های گروهی همواره فصل مشترک مذاکرات ترکیه با حکومت مرکزی عراق و حکومت فدرال اقلیم کردستان است. (تایار، ۲۰۰۵: ۲۱)

۴. آموزش زبان ترکی

ترکیه در کنار ابزارهای مختلف گسترش نفوذ نرم خود توجه ویژه‌ای به بخش آموزش و گسترش زبان ترکی در سراسر جهان دارد و تلاش‌های پیگیری برای تأسیس کرسی‌های زبان ترکی استانبولی به عمل می‌آورد هم‌چنین با اعطاء بورس‌های کوتاه‌مدت تابستانی تحت عنوان «بورس زبان و فرهنگ ترکیه» به علاقه‌مندان فراگیری زبان ترکی به گسترش زبان خود کمک می‌کند. علاوه بر این بخش فرهنگی سفارت ترکیه در کشورهای جهان که تحت عنوان مؤسسه یونس امره اداره می‌شود برنامه‌های مختلفی در این خصوص دارد، از جمله فراخون استادان ترک برای آموزش زبان ترکی در کشور مقصد، راه‌اندازی و تجهیز کتابخانه‌های تخصصی ترک‌شناسی، فراهم کردن منابع دیجیتالی، انعقاد پروتکل‌های همکاری با دانشگاه‌ها برای تأسیس رشته زبان و ادبیات ترکی و... (کارسد، ۲۰۰۵: ۱۲)

مواردی که گفته شد مربوط به اقدامات و فعالیت‌های بخش دولتی است، ترکیه در بخش غیردولتی هم بسیار فعال است که در رأس آن می‌توان به فعالیت‌های گسترده آموزشی فتح‌الله گولن (۳) در آسیای مرکزی اشاره کرد که نزدیک به ۵۰۰ مدرسه و مرکز آموزشی زیر نظر این تشکیلات هم‌اینک فعالیت می‌کنند.

۵. توریسم

ترکیه ششمین کشور از میان ۲۴ کشوری است که بیشترین توریست‌های جهان را به‌خود جذب می‌کند صنعت توریسم در ترکیه بسیار فعال است و وسیله ارتزاق بخش مهمی از مردم است علاوه بر این دولت ترکیه ۳۰ درصد بودجه خود را از این راه تأمین می‌کند (وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه، ۲۰۰۸: ۳۱) ترکیه کوشیده از این صنعت جهت اعمال نفوذ نرم خود در سیاحان بهره گیرد و در این خصوص سالانه اجلاس و کنفرانس‌های بسیاری در ترکیه برگزار می‌شود. ترکیه در نظر دارد برای سال ۲۰۲۳ که یک صدمین سال تأسیس جمهوری است تحت عنوان «پیش به سوی ترکیه شادتر» به انواع گردشگری توجه ویژه کرده است، جذب ۶۳ میلیون گردشگر، درآمدی بالغ بر ۸۶ میلیارد دلار اهداف ترکیه برای سال ۲۰۲۳ عنوان شده است (همان)



فصلنامه علمی-پژوهشی

۳۲

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

۶. شرکت‌ها و بازیگران غیردولتی

حضور هزاران شرکت خصوصی ترک در منطقه و جهان که مشغول فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و عمرانی هستند بزرگ‌ترین ابزار و الگوی اجرایی ترکیه برای معرفی خود، کسب منافع و اهداف سیاسی به‌شمار می‌آید. این الگوی نرم طی دو دهه اخیر روزبه‌روز پرتوان شده است به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۰ نزدیک به ۲۵۰۰ شرکت ترک در آسیای مرکزی حضور داشتند که مجموعاً ۸/۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کردند، این رقم در سال ۱۹۹۹ به مرز ۱۷ میلیارد دلار بالغ شد و حجم تجارت در همین سال به ۵/۶ میلیارد دلار رسید. آژانس اقتصادی و توسعه ترک^۱ از شرکت‌های فعال خصوصی در آسیای مرکزی و قفقاز است که تاکنون پروژه‌های بسیاری را در این مناطق به انجام رسانده است؛ این آژانس در سال ۲۰۰۰ در رام‌الله هم دفتر نمایندگی تأسیس کرد و فعالیت‌های خود را در آن‌جا آغاز کرد. تیکا منابع مالی طرح‌های اجرایی کوچک و متوسط سرمایه‌گذاری در فلسطین را تأمین و حمایت می‌کند. (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۸، صص ۴۲-۴۳)

صاحب‌نظران اقتصادی در ترکیه معتقدند در سال‌های اخیر اگر تقریباً تمامی کشورهای جهان با کالاهای ترکیه آشنا شده‌اند، مهم‌ترین دلیل آن از میان برداشتن برخی موانع دولتی، فعالیت بخش خصوصی و در نتیجه آزاد شدن بخشی از قدرت ابتکار و خلاقیت کارآفرینی‌های صاحبان سرمایه بوده است به‌طوری که متوسط ۲۵ درصد کل صادرات این کشور متعلق به ده شرکت بوده است. امروزه تردیدی نیست که شرکت‌های بزرگی چون تیکا، کوچ، وستل ابزار نرم ترکیه در سراسر جهان می‌باشند.

۷. مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی

مراکز علمی، تحقیقاتی اگرچه صبغه علمی و پژوهشی دارند اما در موارد متعدد به‌مثابه بازوی اجرایی دیپلماسی فرهنگی به‌شمار می‌آیند در ترکیه قدیمی‌ترین مؤسسه‌ای که در همان سال‌های آغازین جمهوری تأسیس شد بنیاد تاریخ ترک بود. هدف فعالیت بنیاد تاریخ ترک، بررسی تاریخ ترک، تاریخ ترکیه و موضوعات مرتبط با آن‌ها و نیز انتشار نتایج مربوط به این تحقیقات است. بنیاد، با برگزاری مراسم گرامیداشت، کنفرانس‌ها، سمینارها و کنگره‌ها، انجام حفريات باستان‌شناسی و انتشار کتاب‌های مختلف راجع به تاریخ ترک و ترکیه در راستای تحقق اهداف مذکور حرکت می‌کند. (www.ttk.gov.ir)



فصلنامه علمی - پژوهشی

۳۳

الگوهای ساختاری و
اجرایی دیپلماسی ...

بنیاد تاریخ ترک با هدف بحث و بررسی موضوعات علمی و دستاوردهای جدید از سال‌های آغاز تأسیس تا امروز به برگزاری کنگره‌های تاریخ ترک اقدام نموده است. بنیاد تاریخ ترک همچنین برای بررسی پیشینه فرهنگ و تمدن آناتولی و ارتباط این ناحیه با آسیای مرکزی و تعیین سهم و تأثیر تمدن‌های باستانی و جدیدتر بر آناتولی، به انجام حفريات باستان‌شناسی نیز می‌پردازد. از موفق‌ترین فعالیت‌های بنیاد تاریخ ترک، تأسیس یک کتابخانه‌ی تخصصی است. کتابخانه این بنیاد که با ۲۵۰۰۰۰ جلد یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های تخصصی تاریخ و باستان‌شناسی ترکیه به‌شمار می‌رود، از مهم‌ترین مراجع استفاده محققان است و با ۱۸۰ کتابخانه و مؤسسه بین‌المللی دیگر همکاری‌های متقابل دارد. علاوه بر این، بنیاد دارای آرشیو اسنادی ارزشمندی برای تاریخ معاصر ترک است. (دهقانی، ۱۳۸۰، صص ۹۸-۹۹)

بنیاد تاریخ ترک که امروزه یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی - پژوهشی ترکیه در زمینه تاریخ و فرهنگ است در عین حال بزرگ‌ترین عامل تبیین انگاره فرهنگ و تمدن جهانی ترک و ارتباط دو حوزه آناتولی با آسیای مرکزی است، مطالعات و تحقیقات این بنیاد تأثیر بسیاری بر ایدئولوژی رهبران و روشنفکران ترکیه در راستای دولت - ملت سازی داشته است. (۴)

۸. مصادره چهره‌های فرهنگی

برجسته کردن نقش و تأثیر فرهیختگان و دانشمندان تاریخ گذشته و معاصر کشور متبوع در پیشرفت علم و ادب در سطح جهان و استفاده از شهرت، محبوبیت و موقعیت آن‌ها برای اهداف راهبردی دیپلماسی فرهنگی. نقش بالقوه‌ای که چهره‌های جهانی و ماندگاری چون مولانا جلال الدین رومی، فارابی، ابن سینا، و غیره می‌توانند در این حوزه برای کشورها و ملل منتسب به خود ایفا کنند، مثال بارزی از این مورد محسوب می‌شود.

ترکیه تلاش گسترده‌ای برای مصادره شخصیت‌های برجسته علمی، ادبی و فلسفی جهان اسلام با تمسک به ترک بودن آغاز کرده است این سیاست در راستای هویت‌سازی دولت مدرن ترکیه از یک سو و معرفی خود در نزد غیر مسلمان به‌عنوان ملتی با پیشینه علمی و برخوردار از بزرگان علم و معرفت صورت می‌گیرد اما قدر مسلم این که شخصیت‌های بزرگی چون مولانا، فارابی، ابن سینا، نظامی گنجوی، شمس تبریزی که ترکیه ادعای مالکیت آن‌ها را دارد در درجه اول متعلق به تمدن اسلامی و در سطحی فراتر به تمدن بشریت و همه انسان‌ها تعلق دارند. (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸)

نتیجه‌گیری

کشورهای مختلف جهان با درجاتی متفاوت به اهمیت دیپلماسی فرهنگی پی برده و هر کدام در حد ظرفیت و توان خود برای پیاده‌کردن آن تمهیداتی اندیشیده‌اند. به باور بسیاری از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل، کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی به‌طور عام و در حوزه تغییر چهره و تصویر یک کشور در جوامع دیگر به‌طور خاص، در گرو استفاده درست از سازوکارها و ابزارهای فرهنگی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی است. تلقی منفی و تصویر ذهنی تاریکی که جهانیان از یک کشور یا یک حکومت دارند، تنها در سایه دیپلماسی فرهنگی قابل تغییر و اصلاح است. در کنار به‌کارگیری مجاری و راه‌های دیپلماسی رسمی، باید به بزرگراه‌های دیپلماسی فرهنگی توجه کرد و با برنامه‌ریزی حساب‌شده در حوزه‌های آموزشی، هنری و فرهنگی به ترویج ارزش‌های مطلوب کشور و مآلاً تأمین منافع کشور اقدام کرد. تنها با ابزارهایی از جنس فرهنگ می‌توان در عمق باورها و اعتقادات ملت‌ها رسوخ کرد و ائتلاف‌ها و اتحادیهایی پایدار را در نظام بین‌الملل بنیان نهاد. از این دیدگاه، به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی را نه تنها برای دستیابی به اهداف فرهنگی بلکه برای نیل به اهدافی با ماهیت سیاسی، امنیتی و حتی نظامی نیز می‌توان تجویز کرد.

ترکیه با وقوف به اهمیت دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم در تعاملات جهانی کوشیده است از تمامی ظرفیت‌های قدرت نرم خود که عموماً از تاریخ، فرهنگ و موقعیت ژئوپولیتیک آن سرچشمه می‌گیرد، استفاده کند. از دهه ۸۰ که ترکیه اصلاحات اقتصادی و سیستم بازار آزاد را در پیش گرفت کمابیش به اهمیت قدرت نرم در شکل‌گیری آن پی برد و برخی شالوده‌های دیپلماسی فرهنگی ترکیه که از آن تحت عنوان الگوی ساختاری دیپلماسی فرهنگی یاد کردیم در این دوران ریخته شد یا دست کم تقویت گردید. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نقطه عطفی در دیپلماسی فرهنگی ترکیه بود تا بتواند با ابزار فرهنگ، زبان و قومیت به نفوذ در جمهوری‌های ترک بپردازد و اهداف و منافع خود را تأمین کند. ورود ترکیه به هزاره سوم و دستیابی حزب اسلام‌گری عدالت و توسعه به قدرت، قدرت نرم ترکیه را وارد مرحله جدیدی کرد، مؤلفه‌هایی تازه مانند مدل حکومتی به الگوی ساختاری ترکیه افزوده شد و مؤلفه‌های پیشین مانند عثمانی‌گری و سنتز اقتصاد - فرهنگ تقویت شد و به‌عنوان راهبردهای فرهنگی دولت اردوغان مطرح گردید. در حوزه الگوی اجرایی هم تلاش شد ابزارهای قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ترکیه متنوع و متکثر شود از شخصیت



کاریزماتیک اردوغان گرفته تا رسانه‌ها و توجه به شعائر دینی و توریسم و معماری همه برای نفوذ و بسط قدرت نرم ترکیه به خدمت گرفته می‌شوند. اما آنچه در این میان ممکن است آسیب جدی به دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آینده وارد کند بی‌توجهی به توازن و هم‌سنجی بین قدرت سخت و نرم است، این مسأله در مورد دخالت سخت ترکیه در امور داخلی سوریه قابل مشاهده است که با استفاده بی‌محابا از قدرت سخت چگونه نفوذ نرم خود را در منطقه در معرض خطر قرار داده است چرا که دیپلماسی فرهنگی در طراحی و اجرا نیازمند قوه اقناع و ظرایف خاصی است و همان‌گونه که می‌تواند وجهه و اعتبار یک کشور را در عرصه بین‌المللی بالا ببرد در صورت تضاد با دیگر عرصه‌های دیپلماسی عمومی به همان سرعت به اعتبار و منافع آن کشور ضربه می‌زند و این خطری است که هم اکنون دیپلماسی فرهنگی ترکیه را تهدید می‌کند.



فصلنامه علمی پژوهشی

۳۶

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

پی‌نوشت‌ها

۱. تأسیس کانال اوراسیا در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز
۲. از جمله گروه‌ها و سازمان‌ها می‌توان به فدراسیون ترک که نزدیک به حزب حرکت ملی است یا هواداران جریان ملی‌گروش متعلق به اربکان اشاره کرد.
۳. منشعب از طریق نور است که از ناحیه آناتولی مرکزی برخاسته است. بر اسلام غیرسیاسی، نوزایی اسلام مبتنی بر آموزش، دموکراسی و تساهل تأکید داشته و بر تشکل جامعه مدنی که بر پایه اصول اخلاقی اسلام و وطن ترک استوار باشد پافشاری می‌کند.
۴. اخیراً با اتخاذ سیاست‌های عثمانی‌گری دولت اردوغان مراکز و مؤسسات عثمانی‌پژوهی بسیار فعال شده‌اند و بر شمار دانشجویان تاریخ افزوده شده است، به‌عنوان مثال بنیاد تحقیقات عثمانی^۱ که وابسته به اوقاف ترکیه است و از منابع مالی خوبی هم برخوردار است طی سال‌های اخیر بودجه‌های کلانی صرف طرح‌های تحقیقاتی راجع به امپراتوری عثمانی و دنیای عرب کرده است و در این راستا از پایان‌نامه‌های دانشجویان دوره تکمیلی حمایت مالی می‌کند.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیت در اسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی

۳۷

الگوهای ساختاری و
اجرایی دیپلماسی ...

کتابنامه

فارسی

- احمدی، ح (۱۳۸۹) روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همسایگان مطالعه موردی: کشور ترکیه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- احمدی، ح (۱۳۷۹) قومیت و قوم‌گرایی در ایران/ افسانه و واقعیت، تهران، نشر نی.
- بیات، ک (۱۳۸۷) پان ترک‌یسم، تهران، نشر و پژوهش شیرازه کتاب.
- حسن خانی، م (۱۳۸۴) دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، دانش سیاسی، دوره ۱ پاییز و زمستان - شماره ۱۳۸، ۹۸-۹۹.
- حقیقی، ر (۱۳۸۸) دیپلماسی فرهنگی از دریچه نواشاعه گرای تأثیرات فناوری اطلاعات بر دیپلماسی فرهنگی، مجله سیاست خارجی، تابستان - شماره ۳۶۰، ۳۴۳-۹۰.
- داود اوغلو، ا (۱۳۸۱) استراتژی‌های منطقه‌ای ترکیه، ترجمه عباس هاشمی، تهران، آذر برزین.
- دهقانی، ر (۱۳۸۰) آشنایی با بنیاد تاریخ ترک، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، فروردین و اردیبهشت، شماره ۴۲ - ۹۸-۴۳، ۹۹.
- دهشیار، ح (۱۳۸۵) چارچوب تئوریک نظام بین‌الملل و منافع ملی، پژوهش حقوق و سیاست. سال هشتم. شماره ۲۰، بهار و تابستان، ۵۳-۷۴.
- رابینسون، ر (۱۳۴۷) جمهوری اول ترکیه، ترجمه ایرج امینی، کتاب‌فروشی تهران، تهران.
- روحی، ن (۱۳۸۱) رؤیای پان ترک‌یسم (بازخوانی اندیشه سیاسی در ترکیه)، راهبرد، شماره ۲۵، ۱۵۷-۱۶۹.
- صدقی زاده، م (۱۳۸۵) نقش رسانه‌های گروهی ترکیه در بهبود روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، دی - اسفند، شماره ۲۸، ۸۱-۸۴.
- عابدی گناباد، ر (۱۳۸۹) دلایل عدم الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره ۷، ۱۵۹-۱۸۴.
- کالجی، ش (۱۳۸۸) عملکرد غیرایدئولوژیک اسلام‌گرایان ترکیه در سیاست خارجی (۲)، گزارش، مهر، شماره ۲۱۲، ۷۵-۷۷.
- کردزاده کرمانی، م (۱۳۸۰) ورود سرمایه‌های کوتاه‌مدت و تأثیر آن بر ساختار اقتصاد کلان ترکیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، بهار، شماره ۲۵، ۲۸۹-۲۷۰.
- موقعیت خارجی‌ها و مهاجران در آلمان (۱۳۷۶)، گزارش، شماره ۷۶، صص ۶۱-۶۰.
- موسوی، ر (۱۳۷۴) سمینار بررسی منابع و ظرفیت‌های اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، بهار، شماره ۷۸، ۵۰-۷۸.
- نای، ج. اس (۱۳۸۶) قدرت نرم، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، ج. اس (۱۳۹۰) آینده قدرت، ترجمه رضا مرادصحرایی، سیدطاهر شریعت پناهی، سیدحسین ارجانی، تهران، مؤسسه تحقیق و توسعه نوین دانشمند.
- نقدی نژاد، ح. پورابراهیم، ن (۱۳۸۸) بررسی سیاست‌های ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان، ش ۶۸، ۳۳-۵۸.

لاتین

- Bülent A and Fidan. H (2009) "Turkey and Eurasia: Frontiers of a New Geographic Imagination", New Perspectives on Turkey, No. 40.fall, 117-123.



فصلنامه علمی-پژوهشی
انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیت‌دانشات‌المعلم‌الاسلامی

۳۸

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

Davutoğlu, A (2001)Stratejik derinlik, Türkiye»nin uluslararası konumu, ANKARA, Küre Yayınları.

Kardas ,S.(2008),»Turkey:Redrawing the Middle East Map,Bulding Sand castles?»,Middle East Policy ,Vol,XVII,No.1.spring,43-62.

Sariibrahimoglu, L (2009)Davutoglu Promoting «Strategic Depth» in Turkish Foreign Policy, Eurasia Daily Monitor Volume, 6 Issue: 89,May 8,12-24.

Tayyar, A(2005)“ABD’de Lobciliğin Dış Politikaya Etkisi ve Türk Lobisi”, *Avrasya Dosyası*, Cilt11, Sayı 2,213-234.

Tunc. A, Vehbi Gorgulu(2012) Mapping Digital Media:

Turkey, A report by the open society foundations,UK,81p

Türkiye Cumhuriyeti Kültür ve Turizm Bakanlığı (2008). Turkey: *Bridge to the Continents*. Ankara: Türkiye Cumhuriyeti Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları,Ankara.

Kalın, İ (2009) “Debating Turkey in the Middle East: The Dawn of a New Geopolitical Imagination”, *Insight Turkey*, Vol. 11, No. 1,87-93.

Kalın, İ (2008) “Turkey and the Middle East: Ideology or Geopolitics?” *Private View*, No.13 ,Autumn,193-207.

Kursad, S (2005) Türkiye ve dünyadaki Turkce Öğretim Merkezleri ve Turkoloji bolumleri üzerine bir değerlendirme, XIV. Ulusal Eğitim Bilimleri Kongresi,27 haziran2005,Ankara, Pamukkale Universitesi Eğitim Fakultesi.

Madran, B. & Şebnem Ö.(2000).Yerellikten Küreselliğe Uzanan Çizgide Tarihin Çok Paylaşımlı Vitrinleri, İlhan Tekelli (ed.) *Müzecilikte Yeni Yaklaşımlar: Küreselleşme ve Yerelleşme*. İstanbul: Tarih Vakfı Yayınları.

Melissen, J (2005) “The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice”, in Jan Melissen (ed.), *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*, Basingstoke, Palgrave-Macmillan.

Ninkovich, F (1996). U.S. Information Policy and Cultural Diplomacy,U.S,Foreign Policy Association.

Nye, J .S (2004) Soft Power: The Means to Succeed in World Politics, New York, Public Affairs.

Nye, J .S (1991) The changing nature of American power, New York ,Basic Books.

Waller, M .J ,ed (2009)Cultural Diplomacy, Political Influence and Integrated Strategy, in Strategic Influence: Public Diplomacy, Washington DC, Institute of World Politics Press.

اینترنت

آجورلو، س (۱۳۹۰) اردوغان؛ مسلمان یا اسلامگرا؟

http://islamic-awakening.ir/?a=content.id&id=fa4169 تاریخ أخذ ۹۱/۹/۱۴